

**یادداشت****احسان محمدی**

رئیس سابق کمیته‌مسئولیت‌های اجتماعی فدراسیون فوتبال

سلام به گروگان جدید «ترامپ»!

چند نفر خاطرشان هست که جام جهانی ۱۹۹۴ در زمان کدام رئیس‌جمهوری آمریکا برگزار شد؟ بوش پدر؟ بیل کلینتون؟ بوش پسر؟ قبول دارم که آن زمان این همه شبکته اجتماعی نبود، اینترنت و گوشی همراه همگانی نشده بود، ولی رادیو و تلویزیون و روزنامه و مجله بود. کمبود رسانه نداشتیم. ما که پسر بچه‌های نوجوانی بودیم تمام اخبار آن جام جهانی را هر کجا پیدا می‌کردیم، می‌جویدیم. از موهایی دم اسبی «روپرتو باجو» و علاقه‌اش به بودیسم تا ریش عجیب «الکسی لاس» و تولد پسر «به‌به‌تو»... ولی هرچه فکر می‌کنم، یاد نمی‌آید «بیل کلینتون» خیلی خودش را وسط آن رویداد انداخته باشد. ۹ شهر آمریکا میزبان مسابقات بود اما او حتی برای اهدای جام قهرمانی به «دونگا»ی برزیلی وارد زمین نشد و معاونش «ال گور» را فرستاد.

اینکه آن سال‌ها آمریکایی‌ها خیلی فوتبال را دنبال نمی‌کردند و کماکان عاشق بسکتبال، گلف، راگبی و هاکی روی یخ بودند البته کم تأثیر نبود- گرچه حالا حتی با حضور لیونل مسی -هم به نظر نمی‌رسد خیلی علایق ورزشی بانکی‌ها عوض شده باشد ولی نکته اینجاست که هیچ مقام اول کشور میزبانی در طول تاریخ برگزاری جام‌های جهانی این همه «ترامپ‌بازی» درنیاورده است.

به رفتارهای پوتین در زمان میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ توجه کنید که چقدر موقرانه رفتار کرد. این فقط شومنی مثل «دونالد جی ترامپ» است که جام جهانی را به گروگان گرفته. مثل بچه پولداری که به شهر بازی رفته و همه بلیت‌ها را خریده تا فقط خودش آنجا بازی کند و اگر صلاح‌دید در را برای دیگری باز کند! فیفا نهاد بزرگی است. تعداد کشورهای عضو آن از تعداد کشورهای عضو سازمان ملل متحد هم بیشتر است. فوتبال حتی از «کرونا» هم سرعت شیوع بیشتری در دنیا داشته، از آفریقا تا آلاسکا، از زاغه‌های برزیل تا خرابه‌های خاورمیانه. هیچ چیزی مثل فوتبال همه را یک شکل و با یک قانون مشترک آغشته خودش نکرده. این نهاد شگفت‌انگیز همیشه به ظاهر تلاش می‌کرد «مستقل» به نظر برسد اما انگلیسی‌ها می‌گویند: «هر کس که پول می‌دهد، تعیین می‌کند نی‌زن چه آهنگی بنوازد» و این سال‌ها انکار هرکس که پول «نفوذ» بیشتری دارد تعیین می‌کند که هیج چه کشوری را میزبان کند، به چه کسی مدال بدهد یا چه کسی با رئیس «اینفانتینو» شام بخورد. هنوز حضور آن آشپز مشهور تُرک بعد از اهدای جام قهرمانی به آرژانتین و عکس یادگاری گرفتنش وسط زمین با «لیونل مسی» برای من یکی از صحنه‌های عجیب جام جهانی ۲۰۲۲ است!

به عنوان یک علاقه‌مند به فوتبال که هیج وقت باور نکرده‌ام «فوتبال از سیاست جداست» از این همه آغشته شدن آن به پول و سیاست و نفوذ شهرت‌طلب‌ها خوشحال نیستم اما انگار باید در جام جهانی ۲۰۲۶ منتظر باشیم که قبیل از هر پبازی «دونالد ترامپ» برود زمین و باکت و شلوار و یکی از آن کارواش‌های صوتی‌اش به توپ لگد بزند و اجازه شروع بازی را بدهد یا بعد از گلزنی بازیکنان عکس او را زیر لباس‌شان به دوربین‌ها نشان دهند شاید اندکی از «شهو» دیده شدن» او کاسته شود.

جام جهانی ۲۰۲۶ فعلاً گروگان «دونالد ترامپ» است. تعارفی هم وجود ندارد که او از هر اهرمی استفاده می‌کند تا اعمال نفوذهای دلخواش را انجام بدهد، در چنین شرایطی

آیا باید تیم ملی فوتبال ما بلیتش را به «ایتالیا» هدیه بدهد یا از حقی که به دست آورده استفاده کند و به رقابت‌ها برود؟ آیا فیفا بالاخره یک جامی ایستد و به او می‌گوید که این رویداد متعلق به ماست، شما فقط یکی از «سه میزبان» هستید؟

امیدوارم جواب سؤال دوم «بله» باشد، آن‌وقت با خیال راحت‌تری می‌شود به برگزاری یک جام جهانی عادلانه دل بست. جایی که ما با تمام استخوان‌هایمان برای نمایش‌های سزاروارانه - حتی با قلب‌های سوگوار جنگیم و سربلند به خانه برگردیم.

گروه ورزشی / حضور ایران در جام جهانی را نمی‌توان صرفاً در چهارچوب یک رقابت ورزشی محدود کرد؛ این رخداد، در شرایط کنونی، به مسأله‌ای چندلایه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و هویتی تبدیل شده است. در فضایی که طی هفته‌های اخیر، برخی رویکردهای تنش‌زا و خارج از قواعد بین‌المللی دولت ایالات متحده با محوریت دونالد ترامپ سبب واکنش‌هایی از سوی بسیاری از طرفداران تیم ملی کشورمان شده است. البته تأکید بر حضور فعال تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ حامل پیامی روشن برای افکار عمومی جهان، کشور میزبان و نهاد‌های بین‌المللی است:

میودراگ بوژوویچ، سرمربی اسبق استقلال در گفت‌وگو با «ایران»:

رفتار ترامپ با فلسفه جام جهانی سازگار نیست

سکوت فیفا آینده فوتبال را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند

سینا حسینی / در آستانه برگزاری جام جهانی ۲۰۲۶، برخی اظهارنظرها و تصمیمات غیرورزشی، فضای فوتبال را تحت تأثیر قرار داده است. طرح بحث پراکنج جایگزینی ایران با ایتالیا از سوی یکی از نزدیکان دونالد ترامپ و همچنین محدودیت‌ها و سختگیری‌های احتمالی برای تیم ملی ایران، واکنش‌های گسترده‌ای را به همراه داشته است. به بهانه بررسی این اتفاقات به سراغ میودراگ بوژوویچ سرمربی اسبق استقلال و از میزبان با تجربه فوتبال اروپا رفتیم؛ مربی‌ای که سابقه هدایت تیم‌های متعددی در لیگ‌های مختلف از جمله روسیه، صربستان و مونته‌نگرو را در کارنامه دارد و تجربه حضور در رقابت‌های بین‌المللی را نیز داشته است.

مدیرعامل فولاد خوزستان در گفت‌وگو با «ایران»:

رفتار میزبان جام جهانی کاملاً غیراصولی است



پریسا غفاری / حمیدرضا گرشاسبی، مدیرعامل باشگاه فولاد خوزستان، در واکنش به رفتار دونالد ترامپ در جریان میزبانی جام جهانی ۲۰۲۶ و طرح جایگزینی ایتالیا به جای ایران، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «به نظر من طرح جایگزینی ایتالیا به جای ایران توهینی به فیفاست؛ چراکه طبق شعار المپیک و ورزش جهان، سیاست در قومیت، نژاد و رنگ هیچ جایگاهی ندارد.»

او با تمجید از پاسخ صریح وزیر ورزش ایتالیا و رد طرح آمریکایی‌ها از سوی اینفانتینو، رئیس فدراسیون جهانی فوتبال، بیان می‌کند: «مطرح شدن این موضوع، توهین را دربر داشت؛ یکی توهین به اهداف و سیاست‌های فیفا که اخلاقی‌مداری در میدان ورزشی را بدون نگاه غیرورزشی می‌پذیرد و دیگری توهین به ایتالیا؛ آن هم از سوی فردی که با فوتبال ایتالیا آشنا نیست و کوبی برای لاجوردی‌پوشان دلسوزی می‌کند؛ توهینی که پاسخ صریح و شفاف‌ی از سوی ایتالیایی‌ها به همراه داشت و آن را شرم‌آور دانستند.»

هرچند نهاد‌های بین‌المللی به شعار جدایی ورزش از سیاست معتقدند، اما بارها شاهد سکوت و منفعت‌طلبی سران

در کوتاه‌مدت، در قالب افزایش امید و همدلی عمومی، نمایان شود. ابعاد سیاسی و حقوقی این مسأله نیز انکارناپذیر است. حضور در جام جهانی، بر پایه اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی و حق ملی تبدیل شده است؛ نمادی که در بزنگاه‌های حساس می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهد و حس تعلق جمعی را در میان لایه‌های مختلف جامعه تقویت کند. حمایت از حضور این تیم در جام جهانی، در چنین بستری، تنها یک تصمیم ورزشی نیست، بلکه اقدامی در راستای تقویت انسجام اجتماعی به شمار می‌آید؛ اقدامی که آثار آن می‌تواند حتی

جهانی از جایگاه و اراده کشور نیز تأثیرگذار خواهد بود. در سطح داخلی نیز این موضوع به معیاری برای سنجش انسجام در ساختار پایه اصول پذیرفته‌شده شده است. تأکید برابر کشورها برای مشارکت در رویدادهای جهانی تعریف می‌شود. هرگونه تلاش برای محدودسازی این حق، در عمل ورود به عرصه‌ای فراتر از ورزش و نشانه‌ای از رقابت‌های غیرورزشی و اعمال فشار با اهرم بی‌منطقی است. در چنین شرایطی، نحوه مواجهه ایران اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ چراکه این واکنش، نه‌تنها بر سرنوشت یک تیم، بلکه بر برداشت‌های

می‌تواند حتی در کوتاه‌مدت، در قالب افزایش امید و همدلی عمومی، نمایان شود. ابعاد سیاسی و حقوقی این مسأله نیز انکارناپذیر است. حضور در جام جهانی، بر پایه اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی و حق ملی تبدیل شده است؛ نمادی که در بزنگاه‌های حساس می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهد و حس تعلق جمعی را در میان لایه‌های مختلف جامعه تقویت کند. حمایت از حضور این تیم در جام جهانی، در چنین بستری، تنها یک تصمیم ورزشی نیست، بلکه اقدامی در راستای تقویت انسجام اجتماعی به شمار می‌آید؛ اقدامی که آثار آن می‌تواند حتی

اهل خالی کردن میدان و عقب‌نشینی نیستند. در کنار این تحولات، پیامدهای مثبت دیگری نیز وجود دارد که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آنها عبور کرد. تقویت سرمایه اجتماعی، از رهگذر ایجاد همدلی و مشارکت جمعی، یکی از مهم‌ترین این پیامدهاست. همچنین، حضور فعال در صحنه‌ای جهانی می‌تواند به بهبود تصویر بین‌المللی ایران و به چالش کشیدن روایت‌های یک‌سویه کمک کند. از سوی دیگر، ورزش به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی عمومی، امکان گسترش ارتباطات غیررسمی و کاهش تنش‌ها را فراهم می‌سازد. تداوم حضور در چنین

ایده مطرح‌شده درباره جایگزینی ایران با ایتالیا، واکنش‌های زیادی در پی داشته است. ارزیابی شما چیست؟

این اولین بار نیست که سیاست وارد فوتبال می‌شود. نمونه بارز آن در سال ۱۹۹۲ رخ داد، زمانی که تیم ملی یوگسلاوی از رقابت‌های قهرمانی اروپا کنار گذاشته شد. آنچه امروز درباره تیم ملی ایران مطرح می‌شود، در همان مسیر قرار دارد و به نظر من یک ننگ بزرگ دیگر برای فوتبال جهان است. ورود چنین مداخلاتی، ماهیت رقابت ورزشی را زیر سؤال می‌برد.

با توجه به اینکه آمریکا میزبان جام جهانی ۲۰۲۶ است، آیا این کشور می‌تواند در امور اجرایی تورنمنت دخالت کند؟
اعطای میزبانی به یک کشور، به هیچ‌وجه به معنای دخالت در روند اجرایی مسابقات نیست. ما این حال، به نظر می‌رسد برخی اقدامات و اظهارات، از جمله از سوی دونالد ترامپ در مسیری برخلاف اصول و مقررات حرکت می‌کند. این وضعیت تنش‌هایی غیرضروری پیرامون تیم ملی ایران ایجاد کرده که به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

فیفا همواره بر جدایی سیاست از ورزش تأکید داشته، اما در این زمینه موضع شفافی اتخاذ نکرده است. آیا این سکوت به اعتبار فیفا لطمه می‌زند؟

فیفا همیشه از جدایی سیاست از ورزش سخن گفته، اما در عمل این موضوع کمتر دیده شده است. این رویکرد دوگانه، به اعتبار این نهاد آسیب می‌زند و موجب بی‌اعتمادی در میان تیم‌ها و هواداران می‌شود. اگر فیفا در چنین مواردی موضع قاطع نداشته باشد، این پرسش پیش می‌آید که اصول اعلامی آن تا چه حد جدی است.

آیا این رفتار می‌تواند به یک رویه جدید در سیاسی شدن ورزش تبدیل شود؟
اگر این اقدامات بدون واکنش جدی باقی

عرصه‌هایی، به تقویت اعتمادبه‌نفس ملی منجر خواهد شد و این پیام را منتقل می‌کند که مسیر تعامل و پیشرفت، حتی در شرایط فشار، متوقف نخواهد شد.

حضور ایران در جام جهانی، اگر با تدبیر و نگاهی چندبعدی همراه شود، می‌تواند از یک رویداد ورزشی فراتر رود و به فرصتی راهبردی برای تقویت انسجام داخلی، تثبیت جایگاه بین‌المللی و بازتولید سرمایه اجتماعی تبدیل شود؛ فرصتی که بهره‌گیری از آن مستلزم تصمیم‌گیری قاطع و مدیریتی هوشمندانه در سطوح مختلف است.

بماند، قطعاً می‌تواند به الگویی خطرناک تبدیل شود. در آن صورت، دیگر کشورها نیز ممکن است از این مسیر پیروی کنند و شاهد گسترش مداخلات غیرورزشی در رویدادهای ورزشی باشیم؛ مسأله‌ای که به‌شدت به روح ورزش آسیب می‌زند.

تیم ملی ایران با شایستگی به جام جهانی صعود کرده است. در صورت ایجاد محدودیت برای این تیم، آیا این موضوع با روح رقابت منصفانه سازگار است؟
بدون تردید خیر. تیم ملی ایران براساس قوانین و با شایستگی کامل به این رقابت‌ها راه یافته و باید حضور داشته باشد. هرگونه مانع‌تراشی در این مسیر، نقض آشکار عدالت ورزشی است و با اصول رقابت سالم همخوانی ندارد.

افزایش قیمت بلیت‌ها و اعمال محدودیت‌های ورود برای برخی کشورها نیز واکنش پراکنجی بوده است. این شرایط را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
هیچ‌یک از این موارد با فلسفه بنیادین فوتبال سازگار نیست. فوتبال باید برای همه باشد، نه فقط برای گروهی خاص. اگر این روند ادامه پیدا کند، ممکن است با یکی از ضعیف‌ترین دوره‌های جام جهانی از نظر کیفیت برگزاری و رضایت عمومی مواجه شویم.

با توجه به تمامی این مسائل، جمع بندی شما از وضعیت فعلی چیست؟
در مجموع، آنچه امروز شاهد آن هستیم، فاصله گرفتن فوتبال از اصول بنیادین خود یعنی عدالت، بی‌طرفی و رقابت سالم است. اگر نهادهایی مانند فیفا در برابر این روند موضعی قاطع اتخاذ نکنند و جلوی مداخلات سیاسی گرفته نشود، این مسیر می‌تواند به یک رویه خطرناک تبدیل شود و آینده فوتبال را با چالش‌های جدی مواجه کند.

عضو سابق هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

باید فریاد ملت ایران را به گوش جهان برسانیم



کروه ورزشی / میرشاد ماجدی، بازیکن سابق تیم ملی و عضو سابق هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» به اظهارات رئیس‌جمهوری آمریکا واکنش نشان داد و گفت: «تیم ملی ایران سهمیه مستقیم گرفته و این حق قانونی مردم و فوتبال ماست و کسی بجز خودمان نمی‌تواند مانع آن شود. در جایی که جنگ بر ما تحمیل شد، تنها جایی که ایرانی می‌تواند فریاد خود را در خاک دشمن متخاصم به جهان‌یان برساند، همین عرصه ورزش است.» ماجدی در ادامه توضیح داد: «زمانی که در فدراسیون بودم، در جام جهانی قطر بحث ایتالیا مطرح شده بود، اما دیدید که ایران به مسابقات رفت و بازی‌های خوبی هم به نمایش گذاشت. این موضوع به ترامپ ربطی ندارد؛ او نه‌تنها بحث ورزش اشرف ندارد، بلکه در صحبت‌هایش اغلب نظر شخصی می‌دهد و خیلی زود هم از گفته‌هایش عقب‌نشینی می‌کند. به نظر من تیم ملی فوتبال ایران با اقتدار و براساس ضوابط و مقررات فیفا وارد جام جهانی شده و باید با یک لبخند زیبا از کنار تمام چالش‌ها عبور کند.» او هرچند معتقد است ورزش از سیاست جداست، اما

شود و بازیکنان با غیرت ایرانی بتوانند در رقابت با حریفان به نتایج مطلوب دست یابند. در کنار این موارد، ضروری است از افراد با تجربه و برنامه‌ریز استفاده شود؛ کسانی که هم به شرایط بین‌المللی آشنا باشند و هم تجربه دوران خاص و جنگ را داشته باشند. هدف باید این باشد که با برنامه‌ریزی دقیق، هم حضور در جام جهانی تضمین شود و هم نگرانی‌ها و چالش‌ها به‌درستی مدیریت گردد؛ چراکه این دوره از جام جهانی برای ما بسیار پرچالش خواهد بود. از سوی دیگر، هرچند فیفا و کمیته

لازم انجام شود و دیپلماسی ورزشی فعال گردد. هم وزارت ورزش و هم فدراسیون‌ها باید با رایزنی با کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های جهانی، مطالبه‌گری مؤثری داشته باشند تا برای حضور کاروان ورزشی ایران در لس‌آنجلس، چالشی مشابه تیم ملی فوتبال ایجاد نشود. این امر البته مشروط به آن است که همکاری دولت ایران در برابر برخی فدراسیون‌ها تبدیل نشود تا ضعف‌های مدیریتی خود را پشت موضوعاتی مانند اساسنامه‌ها پنهان کرده و مانع از نتیجه‌گیری مطلوب شوند.

بین‌المللی المپیک بر اصل عدم دخالت دولت‌ها در امور فدراسیون‌ها و تفکیک ورزش از سیاست تأکید دارند، اما در عمل شاهد آن هستیم که جهانی اینفانتینو، رئیس فیفا، روابط نزدیکی با دولت ایالات متحده آمریکا دارد؛ تا جایی که گاه به نظر می‌رسد تنها گام بعدی او تعظیم در برابر دونالد ترامپ باشد. همچنین، با توجه به اینکه المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس نیز تنها دو سال دیگر برگزار می‌شود، برای جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی برای کاروان ورزشی ایران در آمریکا، باید از هم‌اکنون اقدامات

داشته باشیم که اگر فوتبال بخشی از زندگی ماست، باید تداوم یابد. فدراسیون باید با اتخاذ تصمیمی درست، اجازه ندهد حاشیه‌ها به تیم ملی لطمه وارد کنند. همچنین باید در سیاست از منافع ایران ایستادگی کرده و دیپلماسی خود را با فیفا تقویت کند. در این میان، با توجه به حضور رئیس فدراسیون فوتبال در AFC، نباید رویکردی منفعلانه اتخاذ شود، بلکه لازم است تکلیف تیم ملی به‌صورت شفاف مشخص گردد. حتی وزارت امور خارجه نیز باید در این زمینه ورود کند تا تیم ملی بدون دغدغه راهی جام جهانی

کسب مدال شد. از این رو، ما نیز باید باور خود را در دفاع کنیم. باید باور داشته باشیم که می‌توانیم حتی در شرایط جنگ نیز حضور داشته باشیم، زیرا فوتبال بخشی از چرخه زندگی است. ما باید شرایط کشور خود را در نظر بگیریم و در عین حال نگاهی به اطراف نیز داشته باشیم. برای مثال، اوکراین با وجود فشارهای بسیار زیاد در رقابت‌ها شرکت کرد و عملکرد قابل توجهی داشت. این کشور با وجود آسیب‌ها و موج مهاجرت، همچنان در المپیک نیز موفق به کسب مدال شد. از این رو، ما نیز باید باور

نگاه**امیر عبادتی**

رئیس اسبق فدراسیون فوتبال

نمی‌توان اجازه داد آدم‌هایی مثل ترامپ برای فوتبال ایران تصمیم‌گیری کنند. ما باید در رقابت‌های جام جهانی حضور داشته باشیم؛ جام جهانی متعلق به فوتبال است و به منطقه خاصی محدود نمی‌شود. هر جا